

«زن و مطالعات خانواده»

سال هشتم - شماره سی و یکم - بهار ۱۳۹۵

ص ص: ۱۱۷-۱۳۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۴

رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با تعاملات اجتماعی، شخصیت خودشیفته و احساس مثبت نسبت به همسر در زنان استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی (مطالعه موردی زنان شهر زنجان)

دکتر غلامحسین انتصار فومنی^۱
رویا رضاپور^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ادراک تعامل اجتماعی، خودشیفتگی و احساس مثبت نسبت به همسر در زنان استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی بود. پژوهش حاضر از نوع از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را زنان استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی شهر زنجان در دو ماه آخر پاییز سال ۱۳۹۴ تشکیل دادند که از این بین ۱۲۰ نفر که از شبکه‌های اجتماعی به صورت گسترده استفاده می‌کردند به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. از پرسشنامه اعتیاد به اینترنت (یانگ، ۱۹۹۸)، پرسشنامه ادراک تعامل اجتماعی (گلاس، ۱۹۹۴)، پرسشنامه شخصیت خودشیفته (ایمز، روز و آندرسون، ۲۰۰۶) و پرسشنامه احساس مثبت نسبت به همسر (توکونیز و الیری، ۱۹۸۱) استفاده شد. روش همبستگی پیرسون و رگرسیون برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. پژوهشگران دریافتند که بین متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با احساس مثبت نسبت به همسر و ادراک تعامل اجتماعی رابطه منفی و معنادار و با خودشیفتگی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین متغیر احساس مثبت نسبت به همسر با خودشیفتگی رابطه منفی معنادار وجود دارد و نتیجه گرفتند که برنامه‌ریزی جهت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی برای زنان لازم و ضروری است و این برنامه‌ریزی به سبب اهمیت و جایگاه زنان در نقش‌های گوناگون و روند رو به رشد جامعه و بویژه روابط زوجی پیش از پیش احساس می‌شود.

واژه‌های کلیدی: شبکه‌های اجتماعی، ادراک تعامل اجتماعی، احساس مثبت نسبت به همسر، خودشیفتگی

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران. (نویسنده مسؤول)

ghfoumany@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، زنجان، ایران

مقدمه

شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در طی دهه گذشته با گسترش سریع در بین کاربران ایرانی رواج پیدا کرده‌اند و میلیون‌ها نفر در این شبکه‌ها عضویت یافته‌اند. چنان‌که همپتون و همکاران (۲۰۱۱) گزارش کرده‌اند، این شبکه‌ها به سرعت در بین مخاطبان خود جای باز نموده‌اند و امروز به بخش جدایی‌ناپذیر زندگی اغلب کاربران خود بدل گشته‌اند؛ تعداد استفاده‌کنندگان شبکه‌های اجتماعی بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۸ نزدیک به ۲ برابر شده است و جمعیت کاربران این شبکه‌ها به سرعت در حال افزایش است. فلاحی، عطیف و النفر (۲۰۱۰) معتقدند شبکه‌های اجتماعی وب، نسل جدیدی از امکانات وب هستند که امروزه در کانون توجه کاربران اینترنت قرار گرفته‌اند. این‌گونه سایت‌ها بر مبنای تشکیل اجتماعات بر خط فعالیت می‌کنند و هرکدام دست‌هایی از کاربران اینترنت را که دارای علائق یا ویژگی‌های مشترک هستند، گرد هم می‌آورند. این‌گونه شبکه‌ها در واقع نوعی رسانه‌ی اجتماعی هستند که شیوه‌ی جدیدی از برقراری ارتباط و اشتراک اطلاعات را در اینترنت امکان‌پذیر کرده‌اند.

اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به عنوان یک فناوری بر مهارت‌های و روابط اجتماعی افراد، به خصوص زنان تأثیر می‌گذارند (هارجی، ساندرز و دیکسون، ۲۰۰۷). نیاز به برقراری و حفظ پیوند و روابط نزدیک با دیگران به‌عنوان انگیزه اساسی و بنیادی بشر قلمداد می‌شود (گریف، هیلدگارد و مالهرب^۱، ۲۰۰۱، به نقل از خسروی و همکاران، ۱۳۹۰). مونتگومری^۲ (۲۰۰۵)، به نقل از بساک نژاد و همکاران، (۱۳۹۱) احساس مثبت نسبت به همسر را تمایل برای شرکت در یک رابطه‌ی حمایت‌کننده و مهرآمیز، بدون از دست دادن خود در آن رابطه می‌داند. احساس مثبت نسبت به همسر یکی از متغیرهایی است که منتج به رضایت از زندگی و به‌صورت جزئی‌تر رضایت زناشویی می‌شود (خسروی و همکاران، ۱۳۹۰ و کی خورده، پارسامنش و برومند نسب، ۲۰۱۴). همه انسان‌ها از تعامل و عمق بخشیدن به درگیری در ارتباطات لذت می‌برند. اگر فرد قادر به تعامل با معنا با دیگران نباشد، نتیجه آن تنهایی، افسردگی و عدم خوشحالی خواهد بود (گابلز و شیان، ۲۰۰۰ به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۸۴). در پژوهش‌های مختلفی نشان داده شده است که توانایی‌های اولیه ارتباطی زمانی که توام با خودشیفتگی می‌شوند، از بین می‌رود و حتی در درازمدت اثرات معکوسی بر جای می‌گذارند (پائول هاس، ۱۹۹۸). به علاوه در تحقیقات دیگری در زمینه‌های بالینی پیامدهای مهمی در درازمدت برای خودشیفتگی مانند ایجاد مشکلات متعدد ارتباطی برای افراد نزدیک یافتند (میلر، کمپل و پیکونیس، ۲۰۰۷). خودشیفتگی نقش مهمی را از طریق ایجاد، توسعه و محدود کردن روابط بین فردی در زندگی افراد بازی می‌کند که باعث شده به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در مدت رابطه و عمق آن محسوب شود (اولتمان و همکاران، ۲۰۰۴).

خود تنظیمی خود شیفته در بافت روابط بین فردی به‌طور خاص و از راه‌های زیر عمل می‌کند: اولاً، خود شیفتگی به‌طور مثبتی با تشکیل رابطه مثبت مرتبط است. برای مثال، خود شیفتگی در ارتباط است

1. Grief, Hildgard & Malherb

2. Montgomery

با: الف) تمایل نسبت به تعاملات اولیه (اولتمان و همکاران، ۲۰۰۴)، ب) تلقی شدن به‌عنوان یک رهبر (برونل و همکاران، ۲۰۰۶)، پ) تلقی شدن به‌عنوان هیجان‌انگیز (فوستر، شریرا و کمپل، ۲۰۰۳)، ت) اعتمادبه‌نفس اجتماعی (برونل و همکاران، ۲۰۰۴)، ث) سرگرمی (پائول‌هاس، ۱۹۹۸) و ج) توانایی به دست آوردن شریک جنسی (فوستر، شریرا و کمپل، ۲۰۰۶). ثانیاً، خودشیفتگی به‌گونه‌ای منفی با جست‌وجو و یا ایجاد روابط بلندمدت که دارای ویژگی‌هایی همچون نزدیکی، همدلی یا گرمی هیجانی هستند، همراه است (برونل و همکاران، ۲۰۰۴؛ کمپل و فوستر، ۲۰۰۲). ثالثاً خودشیفتگی با استفاده از روابط به‌عنوان یک فرصت برای تقویت خود همراه است. برای مثال، لاف زدن و خودنمایی کردن خودشیفته (باس و چپدو، ۱۹۹۱) زمانی که فرصتی برای نشان دادن افتخار اجتماعی (والاس و بامیستر، ۲۰۰۲) و یا جستجوی شریک جذاب و وضعیت عالی (کمپل، ۱۹۹۹) فراهم باشد، به خوبی عمل می‌کنند. با این وجود، دیگران در ارتباط با افراد خود شیفته اغلب در بلندمدت به دلیل پرخاشگری آن‌ها (بوشمن و بامیستر، ۱۹۹۸)، کنترل روانی (کمپل، فوستر و همکاران، ۲۰۰۲)، بازی کردن و خیانت (کمپل، فوستر و همکاران، ۲۰۰۲؛ لی، ۲۰۰۵؛ اسمیت و باس، ۲۰۰۱) و سطوح پایین تعهد و مسئولیت‌پذیری (کمپل و فوستر، ۲۰۰۲) رنج می‌برند.

ورود به اینترنت، استفاده از آن و عضویت در شبکه‌های اجتماعی، بر نحوه استفاده از امکانات و گسترش آن‌ها و همچنین بر زندگی خانوادگی، روابط بین افراد خانواده و رفتار تاثیر زیادی بر جای می‌گذارد (سیف‌اللهی و شاطری، ۱۳۹۴). حدود نیمی از جمعیت جامعه را زنان تشکیل می‌دهند. این گروه با برخورداری از قابلیت‌ها و امکانات آموزشی و فنی نوین می‌توانند تاثیر زیادی بر نسل‌های بعد داشته باشند، لذا مطالعه و تحقیق در این مورد، یکی از مسائلی است که ذهن پژوهشگران را درگیر خود کرده است. امروزه گسترش امکانات تکنولوژی نوین اینترنتی در ایران فرصتی است که زنان از آن استفاده فراوان می‌کنند. بالطبع، بر اثر استفاده از این تکنولوژی، تغییرات زیادی در نگرش، رفتار و زندگی آن‌ها ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، انگیزه‌های آنان با تغییر زمینه‌های ایجاد شده در رسانه‌ها و جامعه، متحول شده و مبنای بسیاری از دگرگونی‌ها در زندگی آن‌ها می‌شود. بنابراین از طرفی با عمومی شدن دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و افزایش تصاعدی ضریب نفوذ اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران و در کنار آن افزایش تعداد سایت‌ها و وبلاگ‌های زنان و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی بر روی این شبکه جهانی و توجه ویژه کاربران زن پا به پای دیگر کاربران به آن، شاید یکی از مهمترین دلایل احساس نیاز برای بررسی باشد (مظاهری، ۱۳۹۲). در این بین، شناخت حوزه زنان بیش از پیش با تاثیرات تکنولوژی عصر جدید، به ویژه با راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی مجازی و اینترنتی، آمیخته است؛ زنان خود عاملان فعال و مشارکت‌کننده در محیط پیرامون خود هستند. آنان از شرایط خود تفسیری دارند و بر مبنای دریافت و تفسیر خود، کنش‌های‌شان را شکل می‌دهند. به عبارتی، تکنولوژی‌های جدید در حالی که موجب فراهم آمدن افزایش آگاهی‌های جامعه شده است، در داخل این محیط‌های ارتباطی، کنش اجتماعی معاصر، مثل شبکه‌ای در حال گسترش، با پوشش جهانی شرح داده می‌شود (دورنینگ،

۱۹۹۹، به نقل از نصیری، بختیاری و طاهریان، ۱۳۹۲). لذا با توجه به اهمیت و جایگاه زنان در نقش‌های گوناگون و روند رو به رشد استفاده از شبکه‌های اجتماعی، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با ادراک تعامل اجتماعی، خودشیفتگی و احساس مثبت نسبت به همسر در زنان استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی بود.

ابزار و روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را زنان استفاده کننده از شبکه‌های اجتماعی شهر زنجان در دو ماه آخر پاییز سال ۱۳۹۴ تشکیل دادند. دلاور (۱۳۹۴) معتقد است در تحقیقات همبستگی به ازای هر متغیر ۲۰-۳۰ نفر نمونه می‌توان انتخاب نمود، لذا با توجه به متغیرهای مورد بررسی (جمعا ۴ متغیر)، تعداد ۱۲۰ زن از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه‌های اعتیاد به اینترنت یانگ (۱۹۹۸)، ادراک تعامل اجتماعی^۱ (گلاس، ۱۹۹۴)، پرسشنامه شخصیت خود شیفته ۱۶ گویه‌ای^۲ (NPI-16) (ایمز، روز و آندرسون، ۲۰۰۶) و پرسشنامه احساس مثبت نسبت به همسر^۳ (البری و تورکویتز، ۱۹۸۱) استفاده گردید. از روش‌های آماری همبستگی و رگرسیون استفاده گردید.

یافته‌ها

جدول شماره ۱: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۴۳/۶۴	۱۵/۱۳	۲۰	۸۶
احساس مثبت نسبت به همسر	۱۰۱/۲۴	۱۷/۳۵	۳۴	۱۱۹
خودشیفتگی	۶/۲۱	۳/۸	۰	۱۵
ادراک تعامل اجتماعی	۱۰۳/۵	۱۱/۹۷	۷۵	۱۳۴

با توجه به داده‌های پژوهش، فرض نرمال بودن توزیع داده‌های حاصل از متغیرهای پژوهش در آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برآورده شد ($P > 0/05$).

1. Perception of Social Interaction Questionnaire
2. Narcissistic Personality Inventory (NPI-16)
3. Positive Feelings Questionnaire

جدول شماره ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	استفاده از شبکه‌های اجتماعی	احساس مثبت نسبت به همسر	خودشیفتگی	ادراک تعامل اجتماعی
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۱			
احساس مثبت نسبت به همسر	۰/۲۸**	۱		
خودشیفتگی	۰/۳۵۷**	-۰/۳۳۹**	۱	
ادراک تعامل اجتماعی	-۰/۳۰۲**	۰/۱۴	-۰/۰۶۷	۱

**P<0/01

در جدول شماره ۲، بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با احساس مثبت نسبت به همسر، خودشیفتگی و ادراک تعامل اجتماعی از آزمون معنی‌داری ضریب همبستگی استفاده شد که همه همبستگی‌ها (به‌استثنای رابطه‌ی متغیرهای احساس مثبت نسبت به همسر با ادراک تعامل اجتماعی و خودشیفتگی با ادراک تعامل اجتماعی) در سطح ۰/۰۱ درصد معنادار می‌باشند ($P < 0/01$).

جدول شماره ۳: نتایج رگرسیون به روش همزمان برای پیش‌بینی متغیرهای احساس مثبت نسبت به همسر، خودشیفتگی و ادراک تعامل اجتماعی بر اساس میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	ضریب رگرسیون b	SE	ضریب رگرسیون β	B ²	T	Sig
میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی	احساس مثبت نسبت به همسر	۱۱۳/۹۸	۴/۲۹۶	-۰/۲۸	۰/۰۷۸	۲۶/۵۳۱	۰/۰۰۰
"	خودشیفتگی	۲/۶۶	۰/۹۱۶	۰/۳۵۷	۰/۱۲۷	۲/۹	۰/۰۰۰
"	ادراک تعامل اجتماعی	۱۱۲/۹۶	۰/۰۶۹	-۰/۳۰۲	۰/۰۹۱	۳۸/۳۶	۰/۰۰۱

تقریباً ۸ درصد از احساس مثبت نسبت به همسر از طریق میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی قابل تبیین است. و متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند حدود ۱۳ درصد از تغییرات متغیر خودشیفتگی را پیش‌بینی نماید. همچنین متغیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی ۹ درصد از تغییرات ادراک تعامل اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ادراک تعاملات اجتماعی در زنان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر همسو با مطالعات بوید و الیسون (۲۰۰۷) است که در پژوهش خود دریافته‌اند که هر چند ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی دارای ابعاد مثبتی از جمله گستره ارتباطات، رفع موانعی چون بعد مکان و زمان و دسترس‌پذیری تسهیل‌یافته‌تری است اما تعاملات انسانی

را در معرض آسیب‌های جدی زندگی مدرن قرار می‌دهد. در جامعه امروزی تعاملات بر خط جایگزین روابط فیزیکی گشته است و به‌طور مشخصی ارتباطات رو در روی تا حد زیادی کاهش یافته است و همچنین با مطالعه توسلی و امانی (۱۳۹۱) که دریافتند بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی و میزان تعارض زناشویی رابطه وجود دارد و بیش‌ترین آسیب در حوزه روابط جنسی و کم‌ترین آسیب در تنظیم امور مالی است و لذا حوزه‌های که درگیر مستقیم با تعامل هستند آسیب بیش‌تری دریافت می‌کنند همسو است و با پژوهش الیسون و همکاران (۲۰۰۷) که در مطالعات خود دریافت که تعامل در شبکه‌های اجتماعی میتواند به تکرار و حفظ دوستی‌ها کمک کند، نا همسو است. در دنیای امروز، شبکه‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی در روابط مردم سرتاسر جهان ایفا می‌کنند. به طوری که به جزیی جدایی‌ناپذیر از زندگی بیش‌تر مردم تبدیل شده‌اند. این در حالی است که اساس پیدایش این شبکه‌ها تسهیل و کوتاه نمودن مسیر ارتباطی میان افراد جامعه تلقی می‌گردد. هدف اصلی و عمده بسیاری از افراد استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، گسترش و توسعه روابط بین فردی است و به‌خصوص زنانی که دارای مشکلات زناشویی و ارتباطی در بین خودند، از فضای این شبکه‌ها برای تسکین مشکلات خود، تقویت روابط بیرون از زندگی زناشویی و ... استفاده می‌کنند که این عوامل و عوامل دیگر نهایتاً منجر به آسیب‌های عمده در روابط بین فردی و به خصوص زناشویی آنان وارد خواهد کرد.

بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با خودشیفتگی در زنان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر همسو با نتایج مطالعات مور و مک‌الوری (۲۰۱۲)، اسمک و همکاران (۲۰۱۱)، رایان و زونس (۲۰۱۱) راس و همکاران (۲۰۰۹) همسو است که در پژوهش‌های خود مشترکاً به این نتیجه دست یافتند که رابطه معناداری بین صفات شخصیتی به ویژه خود شیفتگی با استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی وجود دارد به این صورت که فضای شبکه‌های اجتماعی عرصه‌ای برای برآوردن نیازهای خودشیفتگی افراد خودشیفته فراهم می‌کنند. همچنین نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعات هاگز و همکاران (۲۰۱۱) و آمیچای-هامبورگر و وینیتزکی (۲۰۱۰) نا همسو است که دریافتند شخص خودشیفته روی صمیمیت بین فردی، گرمی یا دیگر نتایج مثبت رابطه بلندمدت متمرکز نیست، درحالی‌که هم در آغاز کردن روابط و هم در استفاده از روابط برای شهرت و موفقیت و قرار گرفتن در شرایط عالی در کوتاه‌مدت بسیار ماهر هستند. از دیدگاه یک صفت‌بنیادی، خودشیفتگی با میزان بالایی از برون‌گرایی و سطوح پایینی از توافق و همدلی همراه است که در نتیجه سبب می‌شود افراد خودشیفته تمایل زیادی برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی و متقابلاً روابط اجتماعی به عنوان محلی برای تنظیم عزت‌نفس، خود پنداره مثبت یا اعتمادبه‌نفس استفاده کنند. خودشیفتگی در یک شبکه اجتماعی مجازی به این صورت کار می‌کند که شبکه‌های آنلاین ممکن است بستر مناسب ویژه‌ای برای افراد خودشیفته برای خودتنظیمی از طریق ارتباطات اجتماعی برای دو دلیل فراهم کنند. اولاً، افراد خودشیفته عملکرد بهتری در زمینه‌ی خودنمایی کردن (برخلاف تعهد و احساس هیجانی عمیق) در روابط دارند. وبسایت‌های شبکه‌های اجتماعی اساس روابط دوستی را با بسیاری از افراد فراهم می‌کنند. بدیهی

است که استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای حفظ روابط عمیق‌تر مناسب است، اما اغلب واقعیت، توانایی حفظ تعداد زیادی از روابط است (مثلاً داشتن بیش از صد یا هزاران کاربر به‌عنوان دوست). ثانیاً وبسایت‌های شبکه اجتماعی محیط‌های به‌شدت کنترل‌شده‌ای هستند. صاحبان آن‌ها، قدرت کاملی برای ارائه‌ی خود در صفحات وب دارند، برخلاف سایر زمینه‌های اجتماعی. به‌خصوص، فرد می‌تواند از صفحات شخصی وب استفاده کند برای انتخاب عکس‌های جذاب برای خود یا ارسال و نوشتن مطالبی در مورد خود که باعث گسترش اطلاعات فرد می‌شود. تحقیقات قبلی نشان می‌دهد که افراد خودشیفته برای مثال، متظاهر و مشتاق در مورد خود صحبت می‌کنند، عزت‌نفس‌شان را از جامعه به دست می‌آورند، در واقعیت تلویزیونی رایج هستند و از دیدن خود بر روی نوار ویدئویی یا در آینه لذت می‌برند. صفحات وب شخصی به‌عنوان فرصتی برای ارتقاء خود ارائه می‌شوند. به‌طور کلی شبکه‌های اجتماعی امکان زیادی برای ارتقاء خود و افزایش غرور از طریق توصیف خود در اطلاعات و تصاویر و همچنین از طریق روابط دوستانه (که گاهی به بیش از ۱۰۰۰ دوست می‌رسد) ارائه می‌دهد که هرکدام به‌طور بالقوه در ارتباط باصفت خودشیفتگی هستند.

بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با احساس مثبت نسبت به همسر در زنان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده با پژوهش‌های آیسن و ریو (۲۰۰۵)، خسروی و همکاران (۱۳۹۰) و خجسته مهر و همکاران (۱۳۸۸) همسو است که دریافتند استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اینترنت سبب کاهش احساس مثبت افراد نسبت به همدیگر به خصوص در بین زوجین می‌شود. و با نتایج پژوهش گابل و همکاران (۲۰۰۴) که دریافت استفاده از شبکه‌های اجتماعی تأثیری در احساس مثبت افراد نسبت به یکدیگر ندارد، نا همسو است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، زنانی که به‌طور مداوم و به‌طور گسترده از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، احساس مثبت‌شان به دیگر اعضای خانواده به خصوص همسرشان کاهش پیدا می‌کند و روند احساس منفی پیدا می‌کند. در طی سالیان اخیر و با گسترش و توسعه‌ی اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی و افزایش استفاده از آن‌ها، در تحقیقات مختلف نشان داده‌شده است که استفاده بیش‌ازحد از اینترنت و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی می‌تواند زمینه تخریب سلامت روابط و احساسات را فراهم کند. از هم‌گسیختگی روابط اجتماعی از مشخصه‌های اصلی استفاده مفرط از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است. به عبارت دیگر، یکی از عوامل مهمی که می‌تواند در افراد به خصوص زنان تغییر ایجاد کند و منجر به کناره‌گیری آن‌ها از ارتباط اجتماعی و بالاخره کناره‌گیری از روابط نزدیک به خصوص با همسر شود، استفاده زیاد از شبکه‌های اجتماعی مجازی است زیرا برای زنان، روابط از اهمیت بالایی برخوردار است. همه انسان‌ها بویژه زنان از تعامل و عمق بخشیدن به درگیری در ارتباطات لذت می‌برند. اگر فرد قادر به تعامل با معنای دیگران نباشد، نتیجه آن تنهایی، افسردگی و عدم خوشحالی خواهد بود. رابطه با استفاده از شبکه‌های مجازی به احساس تنهایی منجر می‌شود، زیرا افراد هنگامی که به شبکه‌های مجازی روی می‌آورند، مجذوب این فضا می‌شوند، تعاملات آن‌ها با دنیای واقعی کاهش می‌یابد و بدین ترتیب احساس تنهایی در آن‌ها شکل

می‌گیرد و متعاقباً احساسات مثبت آن‌ها نسبت به هم کم و کمتر می‌شود این در حالی است که ارتباط فرآیند اصلی در زندگی زناشویی و خانوادگی است. از طرفی افراد با احساسات مثبت، تصمیمات درست‌تر، اطلاعات بیشتر و در فرآیند تصمیم‌گیری، بهتر عمل می‌کنند و هم‌چنین رویدادهای مثبت به احساسات مثبت منجر می‌شود. احساس مثبت نسبت به همسر از جمله متغیرهای مهم در روابط بین زوجین است. بنابراین متغیرها و عواملی که سبب تغییرات و تأثیرات گوناگون بر روابط زناشویی می‌شوند، متعاقباً می‌توانند احساس مثبت نسبت به همسر را نیز تحت تأثیر قرار دهند و اثرات و پیامدهای نامناسبی بر زنان و در مجموع بر رابطه زناشویی و خانوادگی به جای گذارند.

بین خودشیفتگی با ادراک تعاملات اجتماعی در زنان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود ندارد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج مطالعات اگرونی زاک و همکاران (۲۰۰۹)، میلر، کمپل و پیل-کانیس (۲۰۰۷) و کمپل و فاستر (۲۰۰۲) همسو است که دریافتند خودشیفتگی اثرات معناداری بر روابط بین افراد به ویژه زنان ندارد و این که خودشیفتگی با پیامدهای مثبت و منفی همراه است و برخی از پیامدهای مثبت آن شامل کاهش افسردگی، برون‌گرایی، خوشایندی اولیه و عملکرد بهتر در جمع می‌باشد و با نتایج پژوهش‌های ایتون و همکاران (۲۰۰۶) و وازیر و فوندر (۲۰۰۶) که دریافتند توانایی‌های اولیه‌ی ارتباطی در ارتباط با خودشیفتگی از بین می‌رود و حتی در دراز مدت اثر معکوس خواهد داشت و عطش توجه، اطمینان افراطی به خود، فقدان همدلی، پرخاشگری و ناسازگاری اجتماعی برخی از پیامدهای منفی خودشیفتگی را تشکیل می‌دهند، نا همسو است. بر اساس نتایج به دست آمده می‌توان گفت بالا بودن میزان خودشیفتگی فرد باعث نمی‌شود تا در تعاملات اجتماعی خود با مشکلات عمده‌ای مواجه شود. در این راستا می‌توان بیان کرد که در زنان پژوهش، آن‌ها توانسته‌اند پیامدهای عمده خود شیفتگی را مدیریت کنند و اثرات آن را به حداقل برسانند به طوری که در روابط زناشویی و خانوادگی و دیگر روابطشان کمتر اثر بگذارد. همچنین خودشیفتگی با میزان بالایی از برون‌گرایی و سطوح پایینی از توافق و همدلی همراه است. اما به طور کلی بالا بودن خودشیفتگی منجر به آسیب‌های عمده در تعاملات اجتماعی به خصوص در رابطه متقابل زن و شوهر می‌شود. خودشیفته‌ها برای تنظیم حرمت خود از مکانیسم‌های درون شخصی و راهبردهای بین شخصی استفاده می‌کنند. به‌عبارتی‌دیگر روابط بین شخصی که به‌وسیله فرامن نابالغ خودشیفته شکل می‌گیرد، با بهره‌کشی، مزاحمت و عدم اعتماد به دیگران به خصوص افراد نزدیک مشخص می‌شود. افزایش محق بودن فرد خودشیفته پیامدهای مخربی در روابط بین فردی و تعاملات اجتماعی آن‌ها دارد. خودشیفتگی با ایجاد پاسخ‌های اجتماعی نامناسب که مانع واکنش‌های همدلانه می‌شود و اثرات همدلی و سایر متغیرها را بر کیفیت روابط بین شخصی و در نتیجه تعاملات و ارتباطات اجتماعی را کاهش می‌دهد و افراد خودشیفته را با خطاهای بین شخصی بسیاری در زندگی روزمره مواجه می‌سازد. با توجه به این عوامل، خودشیفتگی می‌تواند تأثیری منفی بر کیفیت روابط بین شخصی فرد با دیگران به خصوص اطرافیانش از جمله همسرش داشته باشد.

بین خودشیفتگی و احساس مثبت نسبت به همسر در زنان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر با مطالعات اولتمان و همکاران (۲۰۰۴)، برونل و همکاران (۲۰۰۴) و مورف و رودالت (۲۰۰۱) همسو است که دریافتند زنانی که از سطح بالای خودشیفتگی برخوردارند، از احساس مثبت نسبت به همسر پایین‌تری برخوردارند و این که آن‌ها از روابط اجتماعی‌شان برای تنظیم عزت‌نفس، خود پنداره مثبت یا اعتمادبه‌نفس استفاده می‌کنند که متعاقباً در احساس آن‌ها نسبت به اطرافیان‌شان اثرگذار است. و با نتایج حاصل از پژوهش‌های استریان (۲۰۰۷) و اسمیت و باس (۲۰۰۱) که دریافتند افراد خودشیفته از برون‌گرایی بالاتر و سطوح بالایی از توافق و همدلی برخوردارند، ناهمسو است. بر اساس این نتایج، با افزایش خودشیفتگی، احساس مثبت زنان نسبت به اطرافیان‌شان کاهش پیدا می‌کند و متعاقباً رابطه‌ی زناشویی و خانوادگی‌شان دچار مشکل می‌گردد. شخص خودشیفته روی صمیمیت بین فردی زوجین، گرمی یا دیگر نتایج مثبت رابطه بلندمدت متمرکز نیست، درحالی‌که هم در آغاز کردن روابط و هم در استفاده از روابط برای شهرت و موفقیت و قرار گرفتن در شرایط عالی در کوتاه‌مدت بسیار ماهر هستند. خودشیفته‌ها برای ساختن سازه‌های شخصی پویای خودشان از طریق روابط برای تأیید مداوم عزت‌نفس خودشیفته‌شان تلاش می‌کنند. خودشیفتگی به‌گونه‌ای منفی با جست‌وجو و یا ایجاد روابط بلندمدت که دارای ویژگی‌هایی همچون نزدیکی، همدلی یا گرمی هیجانی هستند، همراه است. همچنین خودشیفتگی با استفاده از روابط به‌عنوان یک فرصت برای تقویت خود همراه است. برای مثال، لاف زدن و خودنمایی کردن خودشیفته، زمانی که فرصتی برای نشان دادن افتخار اجتماعی، و یا جست‌وجوی شریک جذاب و وضعیت عالی فراهم باشد، به‌خوبی عمل می‌کنند. باین‌وجود، دیگران در ارتباط با افراد خودشیفته اغلب در بلندمدت به دلیل پرخاشگری آن‌ها، کنترل روانی، بازی کردن و خیانت و سطوح پایین تعهد و مسئولیت‌پذیری رنج می‌برند و در نتیجه افراد دیگر از برقراری ارتباط با کسانی که دچار خودشیفتگی هستند، اکراه دارند و تا حد ممکن از این روابط خودداری می‌کنند و احساس مثبتی به آن‌ها نخواهند داشت.

بین ادراک تعاملات اجتماعی و احساس مثبت نسبت به همسر در زنان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی، رابطه مثبت وجود ندارد. نتایج حاضر بانظریه گابلز و شیان (۲۰۰۰) و با نتایج پژوهش‌های خسروی و همکاران (۱۳۹۰) و کی خورده، پارسامنش و برومند نسب (۲۰۱۴) همسو است. همچنین فلدمن (۱۹۸۲) دریافت احساس مثبت نسبت به همسر تا حدی می‌تواند ادراک تعاملات اجتماعی افراد نسبت به همدیگر را پیش‌بینی کند و نیز دیویس (۲۰۰۱) دریافت احساس مثبت نسبت به همسر یکی از مهمترین عوامل پیش‌بینی‌کننده سطح و نوع تعاملات افراد با یکدیگر است، نا همسو است. با توجه به نتایج پژوهش، زنانی که احساس مثبت نسبت به همسر دارند، از تعاملات اجتماعی بهتر و رضایت‌مندتری برخوردارند و سعی در گسترش روابط خود دارند. در روابط زناشویی، دوام ازدواج و همچنین روابط خانوادگی مستلزم عشق و احساسات مثبت افراد نسبت به یکدیگر است. عشقی که ویژگی آن همبستگی است نه وابستگی، شناخت است نه تعصب، فردیت است در عین وحدت، به‌جای رقابت، تعاون و همکاری

در آن وجود دارد، عشق بالغانه است. بنابراین اصل تعاملات دوطرفه بین زوجین بسیار مؤثر بوده و از جمله اثرات آن بر احساسات طرفین به یکدیگر است و که منشأ بسیاری از مشکلات زوجین به حساب می‌آید که تاثیرات و عواقب بدی در حوزه‌های مختلف زندگی بر زنان می‌گذارد.

منابع

- احمدی، و، حیدریان، م، ملاجعفر، ه و مهرابی زاده هنرمند، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی ساده و چندگانه سبک‌های دلبستگی و تروماهای اوایل زندگی با شکل‌گیری شخصیت خودشیفته در دانشجویان. **فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی**، ۲(۳)، ۱۵-۱.
- بساک نژاد، س، یعقوبی عسگر آباد، ا، اردمه، ع. (۱۳۹۱). رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و هوش معنوی با احساسات مثبت نسبت به همسر در کارکنان متاهل دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور. **مجله اندیشه و راهبردهای زن و خانواده**. ۴(۲)، ۴۶-۳۸.
- توسلی، غ، امانی کلاریجانی، ا. (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی (سرمایه اجتماعی شبکه). **مجله مدیریت فرهنگی**، ۶(۱۷)، ۷۰-۵۶.
- ثنایی ذاکر، م. (۱۳۹۰). **مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج**. تهران: انتشارات بعثت.
- حیدری، م، مظاهری، م و پور اعتماد ح. (۱۳۸۴). رابطه باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر. **فصلنامه خانواده پژوهی**، ۱(۲)، ۱۳۰-۱۲۲.
- خجسته مهر، ر، پارسی ا و شیرالی نیا، خ. (۱۳۸۸). نقش تعدیل کننده هیجان مثبت در رابطه بین هیجان منفی و تبادلات زناشویی مخرب در زنان. **فصلنامه روان‌شناسی خانواده**، ۲(۱)، ۵۸-۴۹.
- خسروی، ز، ابلیاد، م، ناهیدپور، ف و آزادی، ش. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرج. **فصلنامه جامعه‌شناسی زنان (زن و جامعه)**، ۲(۷)، ۷۹-۶۱.
- دلاور، ع. (۱۳۹۴). **روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی**. تهران: انتشارات ویرایش.

دستجردی، ن و برات صیادی، س. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر اعتبار به اینترنت و افسردگی در دانشجویان دانشگاه‌های پیام نور شهر اصفهان. **مجله علوم تحقیقات علوم رفتاری**، ۱۰(۵)، ۳۳۲-۳۴۱.

زرگر، ی، داودی، ا، احمدی، و و میرشکار، س. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه مقیاس خودشیفتگی و رابطه با جنسیت و تحصیلات در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. **مجله روان‌پویش**، ۲(۱)، ۱۲۷-۱۱۴.

عدلی پور، ص، قاسمی، و و میرمحمدتبار، س. (۱۳۹۳). تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان. **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، ۷(۱)، ۲۸-۱.

علوی، س، جنتی فرد، ف، اسلامی، م و رضاپور، ح. (۱۳۸۹). روایی، پایایی و تحلیل عاملی مقیاس استفاده وسواس گونه از اینترنت در کاربران دانشجویی دانشگاه‌های شهر اصفهان. **فصلنامه مدیریت اطلاعات سلامت**، ۷، ۷۲۴-۷۱۵.

فاتیحی زاده، م، احمدی، س. (۱۳۸۴). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی ازدواج و میزان رضایتمندی زناشویی زوجین شاغل در دانشگاه اصفهان. **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، ۱(۲)، ۱۲۰-۱۱۰.

قادری، ه، نبی زاده چپانه، ق، اسمعیلی کورانه، ا. (۱۳۹۳). سبک‌های هویت، احساس تنهایی و ترس از صمیمیت در افراد معتاد به اینترنت و افراد بهنجار. **فصلنامه مطالعات ملی**، ۶۰، ۱۱۵(۴)، ۱۳۶-۱۱۸.

کاپلان، ه و سادوک، ب (۲۰۰۳). **خلاصه روان‌پزشکی: علوم رفتاری-روان‌پزشکی بالینی**. ترجمه: نصرت اله پورافکاری (۱۳۹۲). تهران: نشر مرکز.

محسنی، م. (۱۳۹۳). **جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی**. تهران: انتشارات دیدار.

محمد زاده، ع. (۱۳۸۹). اعتبارسنجی پرسشنامه‌ی شخصیت خودشیفته (NPI-16) در جامعه ایرانی. **مجله‌ی اصول بهداشت روانی**، ۱۱(۴)، ۲۸۱-۲۷۶.

مظاهری، ع. (۱۳۹۲). عوامل موثر بر تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی. **فصلنامه علوم اجتماعی**، ۵۲، ۱۳-۱.

مظاهری، م و پور اعتماد، ح. (۱۳۸۰). **مقیاس باورهای ارتباطی**. پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی. چاپ نشده.

نظری، ع، اسدی، م و شاهینی، . (۱۳۸۸). تأثیر خانواده‌درمانی کوتاه‌مدت ستیر بر صمیمیت زوجها. **فصلنامه زن و مطالعات خانواده**، ۲(۵)، ۱۲۹-۱۰۹.

نوابی نژاد، ش. (۱۳۸۳). **مشاوره و ازدواج و خانواده‌درمانی**. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

یزد خواستی، ف. (۱۳۸۹). رابطه ادراک تعامل اجتماعی با خطرپذیری و مهار خشم در دانشجویان. **فصلنامه روان‌شناسی تحولی**، ۷(۲۶)، ۱۷۸-۱۹۱.

Ames, D. R., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. **Journal of Research in Personality**, 40(4), 440-450.

Amichai-Hamburger, Y., & Vinitzky, G. (2010). Social network use and personality. **Computers in human behavior**, 26(6), 1289-1295.

Baek, K., Holton, A., Harp, D., & Yaschur, C. (2011). The links that bind: Uncovering novel motivations for linking on Facebook. **Computers in Human Behavior**, 27(6), 2243-2248.

Bagarozzi, D. A. (2014). **Enhancing intimacy in marriage: a clinician's guide**. Routledge.

Baldwin, T., & Stroman, A. (2007). **How self-esteem classes are "breeding a selfish generation"**. The Times London.

Barker, V. (2009). Older adolescents' motivations for social network site use: The influence of gender, group identity, and collective self-esteem. **Cyber Psychology & Behavior**, 12(2), 209-213.

Bergman, S. M., Ferrington, M. E., Davenport, S. W., & Bergman, J. Z. (2011). Millennials, narcissism, and social networking: What narcissists do on social networking sites and why. **Personality and Individual Differences**, 50(5), 706-711.

Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007), «Social network sites: definition, history, and scholarship», **Journal of Computer-Mediated Communication**, 13(1), pp 210-230.

Brown, R. P., & Zeigler-Hill, V. (2004). Narcissism and the non-equivalence of self-esteem measures: A matter of dominance?. **Journal of Research in Personality**, 38(6), 585-592.

Brunell, A. B., Campbell, W. K., Smith, L., & Krusemark, E. A. (2004). **Why do people date narcissists? A narrative study**. In Poster

presented at the annual meeting of the Society for Personality and Social Psychology, Austin, TX.

- Brunell, A. B., Gentry, W., Campbell, W. K., & Kuhnert, K. (2006). **Narcissism and emergent leadership. In Poster presented at the annual meeting of the Society for Personality and Social Psychology**, Palm Springs, CA.
- Buffardi, L. E., & Campbell, W. K. (2008). Narcissism and social networking web sites. **Personality and social psychology bulletin**, 34(10), 1303-1314.
- Bushman, B. J., & Baumeister, R. F. (1998). Threatened egotism, narcissism, self-esteem, and direct and displaced aggression: does self-love or self-hate lead to violence?. **Journal of personality and social psychology**, 75(1), 219.
- Buss, D. M., & Chiodo, L. M. (1991). Narcissistic acts in everyday life. **Journal of personality**, 59(2), 179-215.
- Campbell, W. K. (1999). Narcissism and romantic attraction. **Journal of Personality and Social Psychology**, 77(6), 1254.
- Campbell, W. K., & Baumeister, R. F. (2006). **Narcissistic personality disorder**. In Practitioner's guide to evidence-based psychotherapy (pp. 423-431). Springer US.
- Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2002). Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis. **Personality and Social Psychology Bulletin**, 28(4), 484-495.
- Correa, T., Hinsley, A. W., & De Zuniga, H. G. (2010). Who interacts on the Web?: The intersection of users' personality and social media use. **Computers in Human Behavior**, 26(2), 247-253.
- Davis, R. A. (2001). A cognitive-behavioral model of pathological Internet use. **Computers in human behavior**, 17(2), 187-195.
- Eaton, J., Struthers, C. W., & Santelli, A. G. (2006). Dispositional and state forgiveness: The role of self-esteem, need for structure, and narcissism. **Personality and Individual Differences**, 41(2), 371-380.
- Ellison, N. B., Steinfield, C., & Lampe, C. (2007). The benefits of Facebook "friends:" Social capital and college students' use of online social

- network sites. **Journal of Computer-Mediated Communication**, 12(4), 1143-1168.
- Feldman, L. B. (1982). DYSFUNCTIONAL MARITAL CONFLICT: AN INTEGRATIVE INTERPERSONAL-INTRAPSYCHIC MODEL* **Journal of Marital and Family Therapy**, 8(4), 417-428.
- Foster, J. D., Campbell, W. K., & Twenge, J. M. (2003). Individual differences in narcissism: Inflated self-views across the lifespan and around the world. **Journal of Research in Personality**, 37(6), 469-486.
- Foster, J. D., Shrira, I., & Campbell, W. K. (2006). Theoretical models of narcissism, sexuality, and relationship commitment. **Journal of Social and Personal Relationships**, 23(3), 367-386.
- Gable, S. L., Reis, H. T., Impett, E. A., & Asher, E. R. (2004). What do you do when things go right? The intrapersonal and interpersonal benefits of sharing positive events. **Journal of personality and social psychology**, 87(2), 228.
- Hampton, K., Goulet, L. S., Rainie, L., & Purcell, K. (2011). **Social networking sites and our lives**. Retrieved July 12, 2011 from.
- Hargittai, E. (2007). Whose space? Differences among users and non-users of social network sites. **Journal of Computer-Mediated Communication**, 13(1), 276-297.
- Hughes, D. J., Rowe, M., Batey, M., & Lee, A. (2012). A tale of two sites: Twitter vs. Facebook and the personality predictors of social media usage. **Computers in Human Behavior**, 28(2), 561-569.
- Isen, A. M., & Reeve, J. (2005). The influence of positive affect on intrinsic and extrinsic motivation: Facilitating enjoyment of play, responsible work behavior, and self-control. **Motivation and Emotion**, 29(4), 295-323.
- KayedKhordeh, H., Parsamanesh, M., & AminZadeh, H. (2014). **Analyzing the Relationship between Family Functioning and Ego Resiliency with General Health in Women Suffering from Cancer**. Stud, 4(1), 01-05.
- Kobayashi, H. (2000). Standardization perception of social interaction questionnaire in Japan. **Japanese Journal of Psychodrama**, 67-89.

- Marissen, M. A., Deen, M. L., & Franken, I. H. (2012). Disturbed emotion recognition in patients with narcissistic personality disorder. **Psychiatry research**, 198(2), 269-273.
- Miller, J. D., Campbell, W. K., & Pilkonis, P. A. (2007). Narcissistic personality disorder: Relations with distress and functional impairment. **Comprehensive psychiatry**, 48(2), 170-177.
- Moore, K., & McElroy, J. C. (2012). The influence of personality on Facebook usage, wall postings, and regret. **Computers in Human Behavior**, 28(1), 267-274.
- Morf, C. C., & Rhodewalt, F. (2001). Unraveling the paradoxes of narcissism: A dynamic self-regulatory processing model. **Psychological inquiry**, 12(4), 177-196.
- Ogrodniczuk, J. S., Piper, W. E., Joyce, A. S., Steinberg, P. I., & Duggal, S. (2009). Interpersonal problems associated with narcissism among psychiatric outpatients. **Journal of Psychiatric Research**, 43(9), 837-842.
- O'Leary, K. D., & Turkewitz, H. (1981). A Comparative Outcome Study of Behavioral Marital Therapy and Communication Therapy*. **Journal of Marital and Family Therapy**, 7(2), 159-169.
- Oltmanns, T. F., Friedman, J. N., Fiedler, E. R., & Turkheimer, E. (2004). Perceptions of people with personality disorders based on thin slices of behavior. **Journal of Research in Personality**, 38(3), 216-229.
- Orlet, C. (2007). **The look-at-me generation**. The American Spectator.
- Paulhus, D. L. (1998). Interpersonal and intrapsychic adaptiveness of trait self-enhancement: A mixed blessing?. **Journal of personality and social psychology**, 74(5), 1197.
- Russ, E., Shedler, J., Bradley, R., & Westen, D. (2008). Refining the construct of narcissistic personality disorder: Diagnostic criteria and subtypes. **American Journal of Psychiatry**.
- Ryan, T., & Xenos, S. (2011). Who uses Facebook? An investigation into the relationship between the Big Five, shyness, narcissism, loneliness, and Facebook usage. **Computers in Human Behavior**, 27(5), 1658-1664.

- Schmitt, D. P., & Buss, D. M. (2001). Human mate poaching: Tactics and temptations for infiltrating existing mateships. **Journal of personality and social psychology**, 80(6), 894.
- Smock, A. D., Ellison, N. B., Lampe, C., & Wohn, D. Y. (2011). Facebook as a toolkit: A uses and gratification approach to unbundling feature use. **Computers in Human Behavior**, 27(6), 2322-2329.
- Strelan, P. (2007). Who forgives others, themselves, and situations? The roles of narcissism, guilt, self-esteem, and agreeableness. **Personality and Individual Differences**, 42(2), 259-269.
- Thelwall, M., Wilkinson, D., & Uppal, S. (2010). Data mining emotion in social network communication: Gender differences in My Space. **Journal of the American Society for Information Science and Technology**, 61(1), 190-199.
- Thompson, S. H., & Lougheed, E. (2012). Frazzled by Facebook? An exploratory study of gender differences in social network communication among undergraduate men and women. **College Student Journal**, 46(1), 88.
- Twenge, J. M., Konrath, S., Foster, J. D., Keith Campbell, W., & Bushman, B. J. (2008). Egos inflating over time: a cross-temporal meta-analysis of the Narcissistic Personality Inventory. **Journal of personality**, 76(4), 875-902.
- Vazire, S., & Funder, D. C. (2006). Impulsivity and the self-defeating behavior of narcissists. **Personality and Social Psychology Review**, 10(2), 154-165.
- Wallace, H. M., & Baumeister, R. F. (2002). The performance of narcissists rises and falls with perceived opportunity for glory. **Journal of personality and social psychology**, 82(5), 819.
- Yazdkhasti, F. (2011). The Relation between Perception of Social Interaction with Risk Taking and Anger Control in University Students. **Developmental Psychology**, 7(26), 187-91.
- Young, K. S., & Rogers, R. C. (1998). The relationship between depression and Internet addiction. **Cyber Psychology & Behavior**, 1(1), 25-28.